

## امام هادی علیه السلام

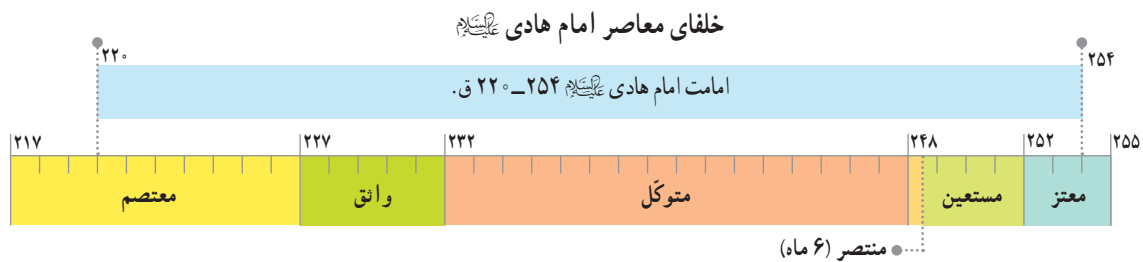
دوره امامت امام هادی علیه السلام با شش خلیفه عباسی هم‌زمان بود. سخت‌ترین دوره زندگی ایشان با دوران خلافت متوکل — هفتمین خلیفه عباسی — مصادف شد. بنا به برخی گزارش‌های تاریخی، این خلیفه عباسی در دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان گوی سبقت را از دیگران ربوده بود. از اقدامات وی می‌توان احضار امام به سامرا، تعقیب و سرکوب معتزلیان و حمایت گسترده از اصحاب حدیث را برشمرد. امام هادی علیه السلام در چنین شرایط دشواری مدبرانه مسیر اجداد بزرگوار خود را در هدایت و رهبری جامعه ادامه داد. در همین راستا و با توجه به شرایط موجود شبکه و کالت را تقویت و گسترش داد. محورهای مهم این درس، پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. اوضاع سیاسی و فکری جامعه اسلامی در زمان امام هادی علیه السلام چگونه بود؟
۲. شبکه و کالت در این دوره چه مناطقی را در برمی‌گرفت؟
۳. امام هادی علیه السلام در راستای ترویج معارف دین چه فعالیت‌هایی انجام داد؟

### ▶ امام هادی علیه السلام در مدینه

آغاز امامت امام هادی علیه السلام هم‌زمان با خلافت معتصم بود. در این زمان حضرت در شهر مدینه اقامت داشت. معتصم که نمی‌توانست امام را به حال خود رها کند، دستور داده بود که هرگونه فعالیت ایشان را گزارش دهند. حضرت با آگاهی از این مطلب بدون برانگیختن حساسیت دستگاه خلافت، فعالیت‌های علمی و فرهنگی امامان پیشین را در شهر مدینه ادامه داد. علاقه‌مندان به کسب علوم دینی از مناطق مختلف نزد امام رفته و از ایشان بهره می‌گرفتند. ۱۳ سال اول امامت امام بدین‌گونه در شهر مدینه سپری شد. حضرت در کنار فعالیت‌های علمی به امور مردم نیز رسیدگی می‌کرد. ایشان برخلاف حاکمان و والیان آن روز ارتباط زیادی با مردم به خصوص مستمندان و محرومان داشت. نیاز آنان را برآورده می‌ساخت، از بیمارانشان عیادت می‌کرد و به کوچک و بزرگ عنایت داشت. بدین ترتیب روز به روز نفوذ و محبوبیت امام در میان اهالی مدینه بیشتر می‌شد؛ به طوری که حاکم مدینه نامه‌ای به خلیفه عباسی آن زمان — متوکل — فرستاد که چنین نوشته شده بود: «اگر احتیاج به حرمین — مکه و مدینه — داری می‌بایست علی بن محمد را از آن جداسازی زیرا او مردم را به سوی خود فرا می‌خواند و عده زیادی به او گرویده‌اند.»

امام علیه السلام نیز نامه‌ای به متوکل نوشت و در آن از دشمنی کارگزار وی و بدرفتاری‌هایش گله کرد و دلایلی بر نادرستی تهمت‌های او آورد.<sup>۱</sup>



## فراخواندن امام هادی علیه السلام به سامرا

متوکل، وجود امام هادی علیه السلام را خطری بزرگ برای حکومت خود می دانست، از این رو هر گزارشی مبنی بر محبوبیت و علاقه مردم به حضرت می توانست بهانه ای باشد تا همان سیاست نیاکان خود را نسبت به حضرت عملی سازد.

چنان که نامه فرماندار مدینه و برخی از کارگزاران عباسی، به شدت خلیفه را نگران کرد و وی را مصمم کرد تا امام را به سامرا فراخواند و از نزدیک فعالیت های حضرت را زیر نظر داشته باشد. متوکل نامه ای به امام هادی علیه السلام فرستاد و ضمن برکناری حاکم مدینه، خود را مشتاق دیدار امام توصیف کرد. ادعایی که بعدها مشخص شد واقعی نیست و متوکل هدفی جز از میان برداشتن حضرت ندارد.

متوکل همراه نامه، فردی به نام یحیی بن هرثمه را به مدینه فرستاد. این فرد به محض ورود، خانه امام را واریسی کرد و چیزی جز قرآن نیافت. سرانجام در سال ۲۳۳ ق. امام راهی سامرا شد زیرا چاره ای جز ترک شهر مدینه نداشت. قبول نکردن دعوت متوکل می توانست دلیلی بر درستی ادعای بدگویان باشد. امام به همراه فرزند خردسالش امام حسن عسکری علیه السلام و دیگر اعضای خانواده مدینه را به قصد اقامت اجباری در سامرا ترک کرد. یحیی رفتار محترمانه ای با امام داشت. ملاقات نزدیک با امام و کرامت هایی که در طول مسیر از ایشان دید، موجب شد تا وی مجذوب شخصیت حضرت شود.

امام و دیگر همراهان وارد شهر بغداد شدند. مردم استقبال شایسته ای از ایشان انجام دادند، به گونه ای که متوکل دستور داد تا شبانه امام را به سامرا ببرند. پس از ورود به شهر سامرا متوکل نه تنها به استقبال ایشان نرفت بلکه دستور داد تا امام را در مکانی به نام «خانه گدایان» اقامت دهند.

### تذکره توفیق

نامه متوکل به ظاهر محترمانه و بدین مضمون بود:

«به نام خدا، پس از حمد و ثنای خداوند، امیرالمؤمنین شما را خوب می شناسد، شخصیت، بزرگواری و نسبت و قرابت شما را با رسول خدا صلی الله علیه و آله رعایت می کند و تنها هدف او جلب رضایت و خشنودی خداوند و شما است. اکنون دستور دادم که طبق درخواست شما فرمانده جنگ و امام جمعه شهر، «عبدالله بن محمد»، که مرتکب اهانت به شما شده است، برکنار و به جای او «محمد بن فضل» منصوب شود. او دستور دارد در برابر امر شما مطیع بوده در تکریم و تعظیم شما نهایت سعی و کوشش را به عمل آورد تا بدان وسیله به خدا و رسول او و امیرالمؤمنین (متوکل) تقرب جوید.

امیرالمؤمنین مشتاق دیدار شما است تا تجدید عهدی صورت گیرد، اگر مایل به زیارت خلیفه باشید و به آن علاقه دارید می توانید به اتفاق خانواده و دوستان و علاقه مندان حرکت کنید. برنامه سفر به اختیار خودتان است، هر جا خواستید توقف نمایید. در صورت تمایل، خدمتگزار خلیفه، «یحیی بن هرثمه»، ملازم رکاب خواهد بود و به خدمتگزاری شما مفتخر خواهد شد، زیرا شما نزد ما محترم هستید و ما شدیداً به شما علاقه مندیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

۱. به این مکان خان صعالبک گفته می شود.

۲. شیخ مفید، نعمان بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.

## امام هادی علیه السلام در سامرا

با انتقال امام هادی علیه السلام به مرکز خلافت عباسی، دور جدیدی از برخوردها و سیاست‌های متوکل در برابر پیشوای دهم علیه السلام آغاز گشت. متوکل در رفتار به ظاهر محترمانه تمام تلاش و کوشش خود را به کار گرفت تا مردمی‌ترین و ریشه‌دارترین رهبر مخالف حکومت خود را شکست دهد. این توطئه‌ها، شکل‌های مختلف داشت، برخی از آنها عبارت است از:

- ۱ ایجاد محدودیت برای امام علیه السلام و جلوگیری از هرگونه ارتباط و تماس با شیعیان.
- ۲ احضار مکرر امام هادی علیه السلام به کاخ سلطنتی که برخی از آنها در نیمه‌های شب اتفاق می‌افتاد. متوکل با دریافت کوچک‌ترین گزارشی دستور می‌داد به منزل امام هجوم برند و ضمن بازرسی خانه حضرت، وی را نزد متوکل ببرند.
- ۳ مخدوش ساختن چهره معنوی حضرت: در یکی از احضارهای شبانه، امام هادی علیه السلام در حالی وارد کاخ متوکل شد که وی به همراه کارگزارانش در یک بزم شبانه مشغول نوشیدن شراب بودند. متوکل امام را احترام کرد و نزد خود نشاند و از جام شراب خود به ایشان تعارف کرد. امام فرمود: مرا معاف دار که گوشت و خون من هرگز با شراب آمیخته نشده است. سپس متوکل از ایشان خواست که شعری برای او بخواند. پس از اصرار، حضرت اشعاری را خواند. مضمون اشعار چنان تکان‌دهنده بود که بزم شبانه آنها را در هم ریخت و حاضران و حتی متوکل را به شدت متأثر کرد.

### توضیح

مضمون اشعار امام علیه السلام چنین بود:

پادشاهان بر فراز قله کوه‌ها، عمر خویش را سپری کردند درحالی که نگهبانانی نیرومند آنها را حراست می‌کردند. اما قله‌های بلند سودی برای آنها نداشت و بعد از دورانی که باعزت سپری کردند، از دژها و قلعه‌های محکم خویش به پایین کشیده شدند. در گودال‌هایی (قبرهایی) جای داده شدند و چه بد مکانی است قبرهای آنان! پس از مرگ آنان، کسی رو به آنان فریاد برمی‌آورد که کجاست آن دستبندها، تاج‌ها و زیورآلات؟ کجاست چهره‌هایی که در ناز و نعمت بودند و در برابر آنان پرده‌های رنگارنگ آویخته می‌شد؟ در این هنگام قبر از طرف آنان با زبان گویا چنین گفت که کرم‌های زیر خاک بر آن چهره‌های نازپرورده راه می‌روند. زمان درازی آنان خوردند و نوشیدند و امروز خود خوراک و طعمه کرم‌ها هستند.

- ۴ برگزاری مناظره علمی: متوکل از یکی از دانشمندان معروف به نام ابن سکیت خواست تا مسئله پیچیده و مشکلی طرح کرده از امام سؤال کند و از این راه وسیله‌ای برای بدنامی امام فراهم آورد. ابن سکیت فرمان را اجرا کرد و در کاخ خلیفه عباسی تمام دانشمندان و فقها جمع شدند و در حضور متوکل، ابن سکیت سؤال‌های خود را پرسید. امام به تمامی سؤالات پاسخ داد. یحیی بن اکثم نیز سؤالاتی را آماده کرده و پاسخ آنها را از امام درخواست نمود. پاسخ امام به مسائل مشکل که حکایت از جایگاه علمی ایشان داشت چنان یحیی بن اکثم را متعجب ساخت که رو به متوکل کرد و گفت: «ما دوست نداریم که پس از این، چیزی از ایشان (خطاب به امام هادی علیه السلام) بپرسند، زیرا هرچه علم او آشکار می‌شود باعث قوت گرفتن رافضی‌ها خواهد شد.»<sup>۲</sup>

۱. رافضه از ماده رفض به معنای ترک کردن و رها کردن است. این واژه به تدریج در مورد شیعیان به کار برده شد، زیرا آنان خلافت خلفای اول را ترک و امامت امام علی علیه السلام را پذیرفته بودند.  
۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۱-۴۷۷.

۵ زندانی کردن امام: متوکل که در برابر امام علیه السلام دچار عجز و ناتوانی شده بود، دستور داد امام هادی را به زندان بيفکنند تا بدین وسیله کینه درونی خود را نسبت به حضرت التیام بخشد.

## جست و جو و تحقیق

به نظر شما علت برگزاری مناظره های علمی از سوی خلفا چه بود؟

### شبکه و کالت در دوران امام هادی علیه السلام

سیستم و کالت در دوره های امامان پیشین پایه گذاری شده بود، اما در دوره امام هادی علیه السلام این شبکه گسترده علمی، فکری و سیاسی، از برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار شد و در عصر امام حسن عسکری علیه السلام نیز همین رویه استمرار یافت. علت این امر، محدودیت و کنترل شدید امام هادی علیه السلام بود. در واقع محل اقامت حضرت، در یک پادگان نظامی قرار داشت که تحت نظارت دقیق مأموران دستگاه خلافت بود و امکان دسترسی مردم و اصحاب به ایشان و بهره گرفتن از محضروی به سادگی امکان پذیر نبود. به همین دلیل، ارتباط میان امامان و شیعیان فراتر از ارتباط معمولی و عادی بود و از سازمان دهی و پیچیدگی بیشتر برخوردار بود. به طوری که افراد معمولی توانایی انجام چنین مسئولیتی را نداشتند. و کیلان حضرت نقش حساس تر، اختیارات بیشتر و مسئولیت سنگین تری پیدا کردند. در این دوره، افراد توانمندی مثل محمد بن داوود قمی یا ابوعلی بن راشد، عهده دار مسئولیت و کالت بودند. کارگزاران و نمایندگان محلی تحت نظر این افراد به انجام وظیفه می پرداختند.

منابع تاریخی حاکی از آن است که قلمرو فعالیت و کلالی امام به چهار منطقه اصلی و مرکزی تقسیم شده بود:

ناحیه نخست: بغداد، مدائن و کوفه

ناحیه دوم: بصره و اهواز

ناحیه سوم: قم و همدان  
ناحیه چهارم: حجاز، یمن و مصر  
نظارت دقیق بر عملکرد و کلا، تعیین وظایف و حدود و اختیارات و ارائه خط مشی های کلی از مضمون نام های امام مشخص می شود. نمونه ای از این گونه سفارش ها در منابع تاریخی موجود است: حضرت در نامه ای، ابوعلی راشد را جایگزین و کیلان قبلی می نماید و بر اطاعت از ایشان تأکید می کند، فرمان بری از ابوعلی را همچون فرمان بری از خود اعلام می کند. حضرت در نامه ای دیگر، برخی از نکات امنیتی را یادآوری می کند. ایشان خطاب به ایوب بن نوح چنین می نویسد: «ایوب بن نوح، به تو دستور می دهم که از ارتباط و رفت و آمد زیاد با ابوعلی بپرهیز و هر کدام از شما در قلمرو مأموریت خود، مشغول انجام امور محوله باشید؛ و حتی اگر شما بر اساس دستورالعمل تعیین شده رفتار نمایید از ارتباط (پیوسته) با من نیز بی نیاز خواهد بود. ای ابوعلی به تو نیز همان دستوراتی را می دهم که به ایوب دادم و نیز به شما دستور می دهم که از اهالی بغداد و مدائن چیزی که برای شما می آورند نپذیرید و نیز برای دیدار با من به آنان وقت ملاقات ندهید و کسانی که از خارج قلمرو مأموریتی شما برای شما چیزی می آورند به وکیل ناحیه مربوطه راهنمایی کنید»<sup>۱</sup>.

۱. رفیعی، علی، زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۲۲.

سؤال: نقش شبکه وکالت در آماده‌سازی مردم برای غیبت صغری را توضیح دهید.

## ➤ اوضاع سیاسی دوران امام هادی علیه السلام

دوران امامت امام هادی علیه السلام آغاز دوره‌ای متفاوت برای حکومت عباسیان به شمار می‌آید. در این دوره از شکوه و عظمتی که دستگاه خلافت پیش‌تر از آن برخوردار بوده، خبری نیست، امنیت و آرامش از تمامی نقاط اسلامی رخت برسته و سلطه خلفای عباسی به سستی گراییده بود. علت ضعف و سستی خلافت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

### ۱ تسلط ترک‌ها بر حکومت

پیش‌تر اشاره شد، معتمد بنا به دلایل مختلف از جمله بی‌اعتمادی به عنصر عرب و ویژگی‌های جسمانی و توانمندی نظامی ترک‌ها، تصمیم گرفت ارتش خود را از نیروهای ترک تشکیل دهد. ترک‌ها خیلی زود، مناصب حکومتی را به دست گرفتند درحالی‌که هیچ‌گونه آشنایی با امور حکومتی و اداری نداشتند و تمام توجهشان به جنگ و کشتار بود. آنها به تدریج چنان بر امور کشورداری مسلط شدند که برای خلیفه هیچ نفوذ و قدرتی باقی نماند. آنها زمانی خلیفه را برکنار کرده و دیگری را بر تخت می‌نشانند. یکی از شاعران آن زمان موقعیت یکی از خلفای عباسی به نام «مستعین» را مانند پرده‌ای در قفس توصیف می‌کند که هیچ اختیاری از خود ندارد. رقابت آنان برای به دست آوردن قدرت و ثروت بیشتر موجب شد تا سرزمین‌های اسلامی دچار بحران و آشوب شود. برخی از سرداران ترک، زمانی که قدرت بیش از حد می‌یافتند، به فکر جدایی از حکومت مرکزی و اعلام استقلال می‌افتادند، از جمله اینها، احمد بن طولون بود که از سوی خلیفه، حاکم مصر شد و سلسله طولونیان<sup>۱</sup> را بنیان نهاد.

### ۲ فساد خلیفه و کارگزارانش

دولتمردان عباسی بیشتر زمان خود را به خوش‌گذرانی و هوس بازی سپری می‌کردند. در دارالخلافه، بزم‌های شبانه برپا می‌کردند و لباس‌های زربافت می‌پوشیدند. کاخ‌های زیبا بنا می‌کردند و بذل و بخشش‌های بسیار داشتند. در نتیجه از امور کشورداری غافل و نسبت به وضعیت مردم بی‌توجه بودند. والیان ناشایست را بر سرزمین‌های اسلامی مسلط کرده و امور مسلمانان را به آنان واگذار می‌کردند. والیان نسبت به مردم ظلم و ستم بسیار روا می‌داشتند و تمام تلاش خود را برای انباشت ثروت به کار می‌گرفتند. آنان با پرداخت رشوه مناصب حکومتی را از وزیران می‌خریدند.

اوج فساد و ظلم در زمان متوکل عباسی بود. سیاست وی، بر خشونت و بدرفتاری نسبت به علویان و شیعیان قرار داشت. وی به شدت آنان را در تنگنای اقتصادی قرار می‌داد و اگر کسی به علویان نیکی می‌کرد، مجازات می‌شد. وی در راستای ستیز با اهل بیت مبالغه زیادی را به شاعران می‌داد تا اشعار خود را در نکوهش اهل بیت بسرایند. متوکل مجازات سنگینی برای زائران امام حسین علیه السلام تعیین کرد و در اقدامی دیگر دستور داد قبر امام حسین علیه السلام در کربلا را ویران کنند، زمین آن را شخم زنند و بر آن آب بینندند. این واقعه در سال ۲۳۶ق. رخ داد.

۱. دوره حکومت طولونیان بر مصر (۲۹۲-۲۵۴ق.) بوده است. اوج قدرت سیاسی و شکوه تمدنی این دولت در دوران فرمانروایی احمد بن طولون، بنیانگذار آن و فرزندش بوده است.

عباسیان دیوانه‌وار، شیفته کاخ ساختن و تزئین آنها بودند و مبالغ هنگفتی صرف بنای کاخ و تزئینات آنها کردند تا آنجا که در هیچ یک از دوره‌های تاریخی چنین گرایشی به تزئین و تجمل از دیگر پادشاهان دیده نشده بود.

یکی از کاخ‌های متوکل برج نام داشت که آن را چنین توصیف می‌کنند: «برج از زیباترین بناهای متوکل بود و در آن تصویرهای بزرگی از طلا و نقره و برکه آبی که کف و کناره‌های آن از صفحه‌های زرین و سیمین پوشیده شده قرار داشت. در کنار برکه درخت زربنی که در آن پرندگانی از طلا با تاج‌هایی جواهرنشان قرار داشتند ساخته شده بود و به آن نام طوبی - برای همانندی با درخت بهشت - داده بودند. این پرندگان به گونه‌ای طراحی شده بودند که با وزش نسیم آوازهایی از آنها برمی‌خاست. در سمت دیگر برکه، تختی بزرگ از طلا آراسته به دو شیر بزرگ طلایی و تصاویری از درندگان و عقاب و اوصاف دیگر که آن را به تخت سلیمان بن داوود علیه السلام - آن چنان که نقل شد - مانند می‌کرد قرار داشت. دیوارهای قصر را نیز از داخل و خارج با مرمر کاشی کاری کرده بودند». یکی دیگر از کاخ‌های متوکل «جعفری» نام داشت که متوکل بسیار هزینه کرد. در مراسم افتتاح آن، نوازندگان و دلقکان را فراخواند و دوست هزار درهم به آنان بخشید.<sup>۱</sup>

## ۲ قیام‌ها و شورش‌ها

ضعف دستگاه خلافت، فساد خلیفه و کارگزارانش، ظلم و گسترش بی‌عدالتی و سیاست کینه جویانه خلفای عباسی نسبت به علویان؛ قلمرو خلافت اسلامی را صحنه درگیری‌ها و قیام‌ها نمود؛ به طوری که یکی از ویژگی‌های بارز در عصر امام هادی علیه السلام، گسترش قیام و جنبش‌های مخالف با حکومت است. این جنبش‌ها از حیث انگیزه دینی و غیردینی به دودسته تقسیم می‌شود: آشوب‌هایی که با اهداف قدرت‌طلبانه<sup>۲</sup> به وقوع پیوست و نهضت‌هایی که از سوی علویان<sup>۳</sup> و با انگیزه‌های عدالت‌خواهانه انجام می‌گرفت. نهضت‌های علوی اگرچه به پیروزی‌های نسبی دست یافتند، ولی به‌طور کلی ناکام مانده و شکست خوردند.

### قیام‌های علویان

قیام‌کننده	زمان	شرح
محمد بن قاسم از نوادگان امام سجاد <small>علیه السلام</small>	۲۱۹	قیام محمد سال ۲۱۹ ق. در شهر طالقان آغاز شد. وی به دینداری و زهد شهرت داشت؛ به همین دلیل عده زیادی به او گرویدند. محمد بن قاسم در زمان متوکل در زندان به شهادت رسید.
یحیی بن عمر از نوادگان امام سجاد <small>علیه السلام</small>	متوکل	یحیی بن عمر نیز به پارسایی شهرت داشت قیام او در زمان متوکل رخ داد. یحیی پس از مقاومت بسیار در برابر سپاهیان خلیفه به شهادت رسید. شهادت یحیی موجب اندوه و ناراحتی شیعیان شد و شاعران اشعار بسیار در ثنای او سرودند.
حسن بن زید از نوادگان امام مجتبی <small>علیه السلام</small>	۲۵۰	قیام حسن بن زید سال ۲۵۰ ق. در ناحیه طبرستان رخ داد و حدود ۲۰ سال به طول انجامید. او توانست طبرستان را در اختیار بگیرد و سلسله علویان طبرستان را بنیان نهد.
حسین بن محمد از نوادگان امام سجاد <small>علیه السلام</small>	۲۵۱	سال ۲۵۱ ق. - در زمان خلافت مستعین - آغاز شد. در جنگ میان وی و سپاه خلیفه، حسین بن محمد شکست خورد. به علت حمایت مردم کوفه از وی، فرمانده سپاه عباسی دستور داد شهر به آتش کشیده شود.
اسماعیل بن یوسف از نوادگان امام مجتبی <small>علیه السلام</small>	خلافت معتز	قیام اسماعیل در مکه - زمان خلافت معتز - شروع شد. او حکمران مکه را از شهر بیرون و قدرت را به دست گرفت. لشکریان معتز با محاصره شهر به مدت طولانی، توانستند وارد شهر شوند.

۱. قرنی، باقر شریف، زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۹۷-۱۹۶.

۲. شورش ناراضیان در بغداد - سال ۲۴۹ - حرکت بابک خرم دین سال ۲۲۰ - و حرکت مازیار - سال ۲۲۵ - برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کتاب: دریایی، محمد رسول، امام هادی علیه السلام و نهضت علویان، ص ۲۰۹-۲۰۲.

۳. قرنی، باقر شریف، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ترجمه محمد رضا عطایی، ص ۴۱۹.

## ➤ اوضاع فکری زمان امام هادی علیه السلام

رخداد مهم فکری زمان امام هادی علیه السلام حمایت حکومت از اصحاب حدیث<sup>۱</sup> بود. پیش از این واقف و معتصم سیاست مأمون را در حمایت از معتزله ادامه داده بودند. با به قدرت رسیدن متوکل، مشی وی حمایت از اصحاب حدیث و مقابله با اعتزال و تشدید مبارزه با شیعیان و علویان قرار گرفت. متوکل در مرحله اول اعلام کرد باور به مخلوق بودن قرآن بدعت و باورمندان به آن مرتدند و سخت مجازات خواهند شد. این موضوع بهانه‌ای شد تا بسیاری از بزرگان معتزله سخت تحت تعقیب و آزار قرار گیرند. در مرحله دوم به اکرام و بزرگداشت محدثان اهل سنت پرداخت. عده‌ای را به سامرا دعوت و جوایزی برای آنان تعیین کرد.

### تذکره توفیق

از ویژگی‌های سده سوم تدوین مجموعه‌های حدیثی توسط بزرگان اهل سنت بود که نزد علمای اهل سنت در مرحله بالایی از اعتبار قرار دارد و منبع آنان در شناخت احکام، وظایف دینی، عقاید و... به شمار می‌رود. این مجموعه‌ها شامل شش کتاب بود که بعدها به «صحاح سته» شهرت یافت:

- ۱ صحیح بخاری از محمد بن اسماعیل بخاری (۲۵۶-۱۹۳ ق.). وی در شهر بخارا متولد شد. پدرش از دانشمندان حدیث بود. بخاری شانزده سال وقت صرف جمع‌آوری احادیث نمود. اهل سنت این مجموعه را صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن می‌دانند. بخاری کتاب خود را به احمد حنبل هم عرضه کرد و مورد تأیید وی قرار گرفت.
- ۲ صحیح مسلم اثر مسلم بن حجاج نیشابوری است (۲۶۱-۲۰۶ ق.). بعد از بخاری معتبرترین کتاب حدیث از اهل سنت است. با اینکه نویسنده معاصر با امام هادی علیه السلام بوده است، اما حدیثی از حضرت نقل نکرده است.
- ۳ سنن ابن ماجه از محمد بن ماجه قزوینی (۲۷۳ ق.). نام اولیه کتاب «السنن» است که به سنن ابن ماجه شهرت یافت و شامل ۴۰۰۰ حدیث است.
- ۴ سنن ابن داود تألیف سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۷۵-۲۰۲ ق.).
- ۵ سنن ترمذی از محمد بن عیسی ترمذی (۲۷۹-۲۰۹ ق.). ترمذی از شاگردان بخاری بوده است.
- ۶ سنن نسائی - اثر احمد بن شعیب نسائی نیشابوری (۳۰۳-۲۱۵ ق.). وی اهل نساء از شهرهای خراسان است. نسائی در نظر اهل سنت یکی از استوانه‌های دانش و از پیشوایان بزرگ علم حدیث به شمار می‌رود.

## ➤ فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام هادی علیه السلام

### ۱ تبیین معارف دین

امام هادی علیه السلام، در طول ۳۴ سال امامت خود با وجود سختگیری‌ها و مراقبت‌های دستگاه خلافت و ممانعت از ارتباط آزادانه با مردم تمام تلاش خود را برای ارشاد و رهبری جامعه مسلمانان به کار گرفت. از جمله مسائل جامعه اسلامی انتشار نظریات و آراء کلامی بود که تصورات نادرستی را ایجاد کرده بود. موضوعاتی همچون خلق قرآن، جبر یا تفویض<sup>۲</sup>، امکان یا عدم امکان رؤیت خدا و تحریف قرآن. حضرت در مورد برخی از این موضوعات همچون خلق قرآن - که از زمان

۱. اصحاب حدیث؛ گروهی از عالمان سده‌های نخست اسلامی بودند که در روش‌های فقهی خود بر پابندی به ظاهر احادیث اعتنایی ویژه داشتند. احمد بن حنبل از جمله این عالمان است (برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به مدخل اصحاب حدیث، دائرة المعارف بزرگ اسلامی نوشته دکتر پاکتچی).

۲. تفویض به معنای واگذار کردن و تسلیم امری به دیگری است.

مأمون در جامعه مطرح شده بود - مصلحت را در سکوت دید و شیعیان را نیز از ورود به این بحث و جدال‌های بی حاصل منع نمود. اما در مقابل، به سؤال‌ها و ابهامات اساسی آنها به تفصیل پاسخ می‌داد؛ به عنوان مثال مردم اهواز نامه‌ای به امام نوشتند و در مورد موضوع جبر و تفویض سؤال کردند. حضرت در پاسخ نامه‌ای مفصل برای آنها نوشت و ضمن یادآوری جایگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، نظر امامیه<sup>۱</sup> را به تفصیل بیان فرمود.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از فعالیت‌های امام هادی علیه‌السلام دفاع از اصالت قرآن در مقابل کسانی بود که می‌گفتند قرآن تحریف شده است. این ادعا از طرف غالبان مطرح شد و بهانه‌ای شد تا مخالفان، شیعه را متهم کنند. امام هادی علیه‌السلام ضمن رساله مفصلی بر اصالت قرآن تأکید کرده<sup>۳</sup> آن را معیاری برای سنجش روایات صحیح از نادرست اعلام نمود.

## ۲ میراث حدیثی امام هادی علیه‌السلام

نشر حدیث در زمان امام هادی علیه‌السلام، همانند امام جواد علیه‌السلام است. در مُسند امام هادی علیه‌السلام حدود چهارصد روایت از امام علیه‌السلام نقل شده است. فزونی روایات امام هادی علیه‌السلام بیشتر به جهت مدت طولانی امامت ایشان و وجود برخی دوران آسایش در طول این مدت بوده است.<sup>۴</sup>

## ۳ امام هادی علیه‌السلام و فرهنگ دعا و زیارت

یکی از ویژگی‌های شیعه، برخورداری از فرهنگ دعا و زیارت است، به گونه‌ای که هیچ‌یک از فرق اسلامی، از این مقدار ذخایر معرفتی بهره‌مند نیست. دعا و نیایش جایگاه ویژه‌ای نزد امامان علیهم‌السلام داشت، که در قالب آن بسیاری از معارف دینی و حتی مسائل سیاسی - اجتماعی را مطرح می‌کردند. دعا و زیارت در سیره امام هادی علیه‌السلام هم مورد توجه بوده است. یکی از آثار ارزشمند حضرت، زیارت جامعه کبیره است که یک دوره امام‌شناسی می‌باشد. طرح این زیارت، در دوره‌ای که تبلیغات غالبان تصویر نادرستی از امامان ارائه می‌داد، ضروری به نظر می‌رسد. این زیارت از نظر سند صحیح‌ترین و از جهت محتوا یکی از زیارت‌های جامع و کامل است که از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است.

علت صدور این زیارت درخواست یکی از شیعیان است. وی از امام تقاضا می‌کند زیارتی به او بیاموزد که از جهت بلاغت کامل باشد و عبارات و مضامین آن برای زیارت همه معصومان علیهم‌السلام قابلیت داشته باشد. امام هادی علیه‌السلام زیارت جامعه را به او می‌آموزد. امام در این زیارت با تفکیک جایگاه توحید، نبوت و امامت را چنان که شایسته است تبیین می‌کند.

یکی دیگر از زیارت‌ها به‌جامانده از امام هادی علیه‌السلام، زیارت غدیر است که حضرت در زیارت جدش - امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام - می‌خواند. موضوع زیارت غدیر، فضایل امام علی علیه‌السلام در قرآن است. آیه ولایت، آیه ابلاغ و سایر آیاتی که در شأن امام علی علیه‌السلام نازل گردیده از جمله موضوعاتی است که در این زیارت به آن اشاره شده است.<sup>۵</sup>

## ۴ روشنگری امام هادی علیه‌السلام در برابر فعالیت غلات

غلو یکی از موضوعات مشکل‌آفرین در طول تاریخ تشیع بوده است. غالبان علاوه بر انحراف فکری خود، چهره ناپسندی از مکتب تشیع را نشان می‌دادند و راه را برای دشمنان جهت ستیز با شیعه هموار می‌ساختند. امام هادی علیه‌السلام نیز همچون پدران بزرگوار خود، مبارزه

۱. امامیه همان شیعه دوازده امامی می‌باشد.

۲. لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین. این موضوع از عقاید خاص شیعه است. و اشاره دارد که در کارهای اختیاری انسان هم، اراده خدا و انسان دخالت دارد.

۳. ابن شعبه حرانی، این رساله را به تفصیل ذکر کرده است. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۷۰ - ۴۵۸.

۴. طباطبایی، سید محمد کاظم، تاریخ حدیث، ص ۸۹.

۵. پاک‌نیا، عبدالکریم، نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی علیه‌السلام، ص ۲۱ - ۳۳.



با این فرقه را بی گرفت و باروشنگری و بیان مواضع خود، غالیان را بدعت‌گذارانی خارج از حوزه دین معرفی کرد، به عنوان مثال، یکی از یاران امام، نامه‌ای به حضرت نوشت و عقاید فردی به نام علی بن حسکه را شرح داد. خلاصه نامه چنین است: «علی بن حسکه معتقد است تو ولی او و همان خدای قدیم هستی و خود را پیامبری می‌داند که از جانب شما مأمور هدایت مردم شده است.» امام علیه السلام در پاسخ به نامه، علی بن حسکه را فردی دروغ‌گو معرفی کرد که باید از او به خدا پناه برد. در ادامه، امام از شیعیان خواست که از این افراد دوری نمایند.<sup>۱</sup>

## ۵ پرورش شاگردان

امام هادی علیه السلام در ایام سکونت در مدینه و سامرا به‌رغم محدودیت‌های بسیار موفق شد شاگردان برجسته‌ای را پرورش داده و به وسیله آنان معارف اهل بیت علیهم السلام را انتشار دهد. عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از شاگردان امام هادی علیه السلام بود. وی در زمان معتز به جهت اذیت و آزار وی به شهر ری رفت و در همان جا اقامت گزید و به ترویج تشیع در آن مناطق پرداخت. در این دوران قم، یکی از مراکز مهم تجمع شیعیان بود که روابط محکمی با امام هادی علیه السلام داشتند. در میان شیعیان قم، گرایش‌های انحرافی و غلوآمیز حاکم نبود و آنان به سختگیری نسبت به غالیان شهرت داشتند.

در میان شیعیان حضرت، اندیشمندانی بودند که کتاب‌هایی در حوزه علم و حدیث و مسائل کلامی تألیف کردند. از جمله می‌توان به احمد بن محمد بن عبیدالله از اشعریان قم اشاره کرد که کتابی به نام «النوادر» داشته است.<sup>۲</sup> احمد بن اسحاق اشعری قمی نیز پرسش‌ها و پاسخ‌های امام هادی علیه السلام را در کتابی با عنوان «مسائل الرجال لابی الحسن الثالث علیه السلام» جمع‌آوری کرد. عبدالله بن جعفر حمیری قمی از علمای برجسته قم است که کتاب «قرب الاسناد» از وی به جا مانده است.

## پرسش‌های نمونه

- ۱ متوکل عباسی به چه بهانه‌ای امام را به سامرا فراخواند؟
- ۲ اوضاع سیاسی دوران امام هادی علیه السلام را توضیح دهید.
- ۳ برخورد متوکل عباسی با معتزله چگونه بود؟
- ۴ موضع امام هادی علیه السلام در مورد موضوع خلق قرآن چگونه بود؟

۱. قاسم یقظینی و احمد بن محمد سیاری از غالیان این دوره هستند. روایات زیادی در مورد تحریف قرآن توسط این شخص - احمد بن محمد سیاری - نقل شده است. ر. ک. رجال کشی، ص ۴۲۵.  
۲. النجاشی، رجال نجاشی، ص ۷۹.  
۳. همان، ص ۹۱.



## امام عسکری علیه السلام

پیشوای یازدهم در سنین کودکی به همراه پدر به شهر سامرا رفت. دوران امامت ایشان کوتاه و اطلاعات تاریخی از زندگی حضرت اندک است. وی در تمام این مدت یا در زندان به سر می‌برد و یا به شدت تحت مراقبت بود. از این رو فعالیت‌های امام عسکری در پوشش کامل تقیه انجام می‌شد تا بهانه‌ای به دست مخالفان داده نشود. برخی از فعالیت‌های امام به آماده‌سازی شیعیان جهت پذیرش امامت فرزندش - امام مهدی علیه السلام - مربوط می‌شد.

درس پیش رو به این سؤالات پاسخ می‌دهد:

۱. موقعیت امام عسکری علیه السلام در سامرا چگونه بود؟
۲. علت محدودیت‌های اعمال شده از سوی دستگاه خلافت چه بود؟
۳. امام چگونه با شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند؟

## ▶ آغاز امامت امام حسن عسکری علیه السلام

شرایط دشوار زندگانی امام هادی علیه السلام، مانع از معرفی صریح جانشینی فرزندش - امام حسن عسکری علیه السلام - شد. امام هادی علیه السلام تنها در ماه‌های آخر عمر خود، جانشین خود را به اصحاب نزدیکش معرفی کرد. پس از شهادت امام هادی علیه السلام، بیشتر اصحاب ایشان، امامت فرزند بزرگش، حسن را پذیرفتند. تنها برخی از شیعیان به امامت پسر دیگر امام هادی علیه السلام به نام محمد، که در زمان پدر، بدرود حیات گفته بود، معتقد شدند و او را مهدی موعود دانستند.<sup>۱</sup>

رخداد دیگری که پس از شهادت امام هادی علیه السلام رخ داد، ادعای امامت جعفر، برادر دیگر امام حسن عسکری بود که به جعفر کذاب شهرت یافت. جعفر با طرح ادعای امامت، تنش‌هایی را میان شیعیان ایجاد کرد و آنها را به دور خود جمع کرد. البته امام حسن عسکری علیه السلام فرصت هیچ‌گونه خودنمایی به او نداد.

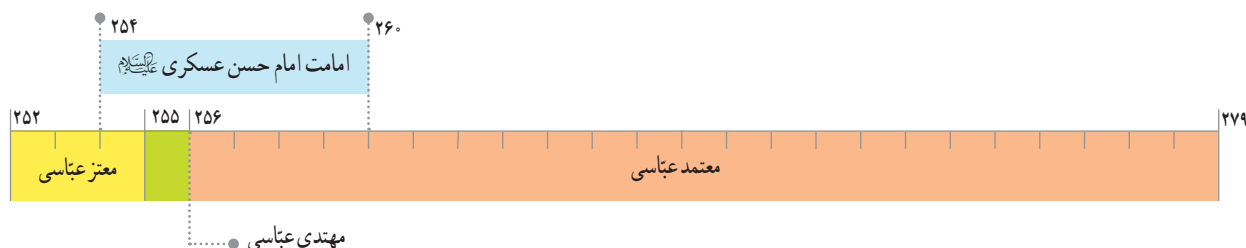
## ▶ موقعیت اجتماعی امام حسن عسکری علیه السلام

امام عسکری علیه السلام در حالی به امامت رسید که بسیار جوان بود و ویژگی‌های علمی، اخلاقی و حسن رفتار ایشان خیلی زود مورد توجه مردم و حتی مخالفانش قرار گرفت. روایت‌های زیادی در منابع معتبر نقل شده است که از موقعیت و نفوذ امام حکایت دارد. مسیرهای منتهی به دارالخلافت در روزهایی که امام باید به آنجا می‌رفت؛ مملو از جمعیتی می‌شد که برای دیدار ایشان آمده بودند. هنگامی که امام وارد مسیر می‌شد، هیاهوی مردم خاموش می‌گردید. زمانی که امام زندانی شد، زندانبانان سخت‌گیری همچون صالح بن وصیف برای کنترل و نظارت امام تعیین شدند.

۱. نوبختی، حسن بن موسی، فُرق الشیعه، ص ۸۳.

دیدن مکارم اخلاقی و عبادت‌های خالصانه ایشان در زندان، نگهبانان را از رفتار خود پشیمان می‌کرد. یک‌بار برخی از بزرگان عباسی از صالح خواستند بر امام سخت بگیرد، صالح در پاسخ گفت: «دو تن را که از بدترین مردم می‌دانستم، بر او مأمور کردم ولی آنان چنان تحت تأثیر قرار گرفتند که در عبادت به حد والایی رسیدند»<sup>۱</sup>.

### خلفای معاصر امام حسن عسکری علیه السلام



### یک توفیح

#### موقعیت سیاسی امام حسن عسکری علیه السلام

در منابع تاریخی روایتی طولانی از احمد بن عبیدالله بن خاقان، از دشمنان سرسخت شیعیان در مورد اکرام و تعظیم پدرش که وزیر معتمد عباسی بود، نسبت به امام عسکری علیه السلام، نقل شده است که بیانگر موقعیت ممتاز حضرت است، به ویژه از این حیث که وی هر ملاقات‌کننده‌ای را تحت تأثیر جذبه خود قرار می‌داد. این روایت را یکی از علمای معروف شیعه به نام سعد بن عبدالله اشعری نقل می‌کند. او می‌گوید، سال‌ها پس از رحلت امام عسکری علیه السلام، در مجلس احمد بن خاقان، از دشمنان سرسخت شیعیان، نشسته بودیم که سخن از طالبیان ساکن سامرا و مذهب و موقعیت آنان نزد سلطان به میان آمد. احمد گفت: من کسی از علویان را چون حسن بن علی عسکری علیه السلام در سامرا ندیده و نشنیده بودم که این چنین به وقار و عفاف، زیرکی و بزرگ‌منشی در میان اهل بیت خود شناخته شده و نزد مسلمان و بنی‌هاشم محترم باشد، چنان‌که او را بر افراد مسن، حتی امیران و وزیران برتری می‌دادند. روزی من بالای سر پدرم ایستاده بودم. آن روز پدرم برای دیدار با مردم نشسته بود که گفته شد، ابن الرضا<sup>۲</sup> در بیرون در ایستاده است، پدرم با صدای بلند خواست به امام اجازه ورود دهند. وقتی پدرم او را دید چند قدم به سوی او رفته و کاری را که ندیده بودم با کسی حتی امرا و والیان انجام دهد، برای او انجام داد. دست به گردنش انداخته و صورت و پیشانی او را بوسید، آنگاه او را در جای خود نشاند و بسیار تکریم کرد. پس از آنکه من از پدرم علت این همه تجلیل را سؤال کردم، پدرم در پاسخ گفت: ابن الرضا امام رافضیان بود و اگر روزی خلافت از دست بنی‌عباس بیرون رود، از بنی‌عباس جز او کسی شایستگی تصدی آن را ندارد. او به خاطر فضل، صیانت نفس، زهد، عبادت و اخلاق نیکو، سزاوار مقام خلافت است.

۱. شیخ مفید، نعمان بن محمد، الارشاد، ص ۳۳۴.

۲. ابن الرضا لقبی است که برای امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام به کار گرفته می‌شد.

## ➤ اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران امام حسن عسکری علیه السلام

شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر زمان امام حسن عسکری علیه السلام مشترکات زیادی با دوره امامت پدرش - امام هادی علیه السلام - داشت. چیرگی امیران ترک بر امور حکومتی، روزه‌روز بیشتر می‌شد، آنان خلیفه عباسی - معتز - را از سلطنت خلع کردند و پس از آزار و شکنجه‌های فراوان، او را در سردابی انداختند تا خلیفه مخلوع زنده به گور شود. ناکارآمدی عباسیان در امور حکومت‌داری و لذت‌طلبی‌های آنان موجب رواج فساد گسترده میان کارگزاران حکومتی شده بود. بی‌توجهی به امور مردم، گسترش بی‌عدالتی و ناامنی، بحران‌های سیاسی متعددی را در پی داشت. از جمله می‌توان به قیام‌ها و شورش‌هایی که بر ضد حکومت انجام گردید، اشاره نمود. در این دوران، یعقوب بن لیث صفاری، از سیستان به فارس آمد و سپس از آن پیشروی کرده و تا حدود بغداد را به تصرف درآورد. در بصره مردی به نام علی بن محمد، مشهور به صاحب‌الزنج، تعداد زیادی از غلامان و بردگان را که از شرایط دشوار اجتماعی به ستوه آمده بودند با خود همراه ساخت. قیام او بسیار گسترده شد و چند بار هم موفق شد، نیروهای عباسی را شکست دهد. او حدود ۱۴ سال در بصره و نواحی اطراف آن حکومت کرد.<sup>۱</sup> سیاست عباسیان نیز نسبت به علویان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام بسیار خشونت‌آمیز بود؛ به‌عنوان مثال، موسی بن یحیی که مردی ستمکار و پلید بود، به ولایت قم گماشته شد تا اهالی آنجا را که دوستی خالصانه نسبت به ائمه علیهم السلام داشتند، در تنگنا قرار دهد.<sup>۲</sup> مردم وضعیت خود را به امام عسکری علیه السلام نوشته و از آن حضرت درخواست دعا نمودند. امام علیه السلام در پاسخ دعایی طولانی برای آنها مرقوم کرد تا در نماز خود بخوانند.

## ➤ نحوه مواجهه خلفای عباسی و امام حسن عسکری علیه السلام

خلفای عباسی هم‌عصر با امام حسن عسکری علیه السلام، همان سیاست اجداد خود را نسبت به ایشان ادامه دادند و حضرت را ناگزیر ساختند در شهر سامرا بمانند. بدین ترتیب، آمدوشدهای امام با یارانش به دقت تحت مراقبت قرار می‌گرفت و ارتباطات عادی و روزمره حضرت با شیعیان به راحتی امکان‌پذیر نبود.

عباسیان از وجود تشکیلات منظم و منسجم و کالت که از مدت‌ها قبل ایجاد شده بود، تا حدودی اطلاع داشتند و این موضوع، بر نگرانی و وحشت آنان می‌افزود. به همین دلیل از امام خواسته بودند پیوسته حضور خود را در سامرا، به آگاهی حکومت برساند و امام هر دوشنبه و پنجشنبه در دارالخلافه حاضر می‌شد.<sup>۳</sup> خلیفه عباسی به این مقدار نیز اکتفا نکرد، بلکه بارها حضرت را زندانی کرد. در زندان نیز، جاسوسانی گمارده شدند تا سخنان امام را گزارش دهند.

بررسی منابع شیعه نشان می‌دهد، فشارها و محدودیت‌های وارد شده بر امام حسن عسکری علیه السلام به دو دلیل، نسبت به امامان گذشته بیشتر بود. آن دو دلیل عبارت‌اند از:

### ۱ | اقتدار شیعیان

در زمان امام حسن عسکری علیه السلام، جمعیت شیعیان به‌طور چشمگیری افزایش یافته بود. آنان در سرزمین‌های پهناور اسلامی می‌زیستند. علت این پراکندگی، سیاست‌های سختگیران خلفای اموی و عباسی، نسبت به پیروان اهل بیت و علویان بود که موجب شد آنها به مناطق

۱. زنج کلمه زنگ است. صاحب‌الزنج به جهت رهبری زنگیان - غلامان سیاهی که برده بودند - به این نام خوانده می‌شدند.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۷.

۳. قرشی، باقر شریف، ص ۱۵۹.

۴. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۲۹.

امن دور از دسترس حکومت مهاجرت نمایند. از جمله مناطقی که شیعیان فراوانی را در خود جای داده بود و با امام نیز ارتباط داشتند، شرق ایران از جمله خراسان بود. گرایش‌های شیعی از گذشته در خراسان وجود داشت، به عنوان مثال در زمان امام صادق علیه السلام جمعی از اهالی خراسان به دیدار امام صادق علیه السلام رفته بودند. حضور امام رضا علیه السلام در شهر نیشابور نقطه عطفی در گرایش مردم به تشیع محسوب می‌شد. از شخصیت‌های برجسته شیعی می‌توان به فضل بن شاذان نیشابوری اشاره کرد. وی شاگرد امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. سبزوار از شهرهای بزرگ بی‌هق تحت تأثیر مهاجرت علویان به گرایش‌های شیعی روی آورد. سابقه تشیع در قم به زمان ورود گروهی از اهالی کوفه به این شهر می‌رسد. آنها پس از سکونت در قم به نشر روایات اهل بیت علیهم السلام همت گماشتند. منابع به تمایلات شیعی در شهر ری هم اشاره کرده‌اند. در بین اصحاب امام رضا علیه السلام و امام هادی علیه السلام افرادی با لقب رازی وجود دارد که از این شهر برخاستند.<sup>۱</sup>

پراکندگی پیروان اهل بیت، به لحاظ جغرافیایی، تنها از راه یک شبکه ارتباطی منسجم، می‌توانست پیوند شیعیان با حوزه امامت از یک سو و ارتباط آنان با همدیگر را از سوی دیگر برقرار سازد. از این رو امام حسن عسکری علیه السلام نظام و کلا را تقویت کرد و افرادی را که به لحاظ علمی و معنوی سابقه درخشانی داشتند به عنوان وکیل خود انتخاب نمود و تشکیلات شبکه و کالت را منسجم تر و منظم تر ساخت و افراد فاقد صلاحیت را کنار نهاد.

## ۲ ولادت امام زمان علیه السلام

عامل مهم دیگری که حساسیت و مراقبت دقیق دستگاه خلافت حاکم عباسی را نسبت به امام عسکری علیه السلام موجب شد، موضوع تولد حضرت امام زمان علیه السلام به عنوان آخرین حجت خدا بود. مسئله مهدویت از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان به طور جدی مطرح بود و احادیث فراوانی در این باره وجود داشت. توجه به این زمینه‌ها بود که فرقه‌های گوناگون پیش از این، خود را مهدی معرفی کرده و افرادی را به دور خود جمع می‌کردند. بنی عباس و پیروان آنان هم اخبار تولد فرزندی از پیشوای یازدهم را می‌دانستند، کسی که نابودگر حکومت‌های خودکامه است، از این رو آنها به گمان خود می‌خواستند با کشتن حضرت، نسلش را نابود کرده و مانع ظهور امام زمان علیه السلام گردند.

## تدابیر امام حسن عسکری علیه السلام برای ارتباط با شیعیان

حضور امام عسکری علیه السلام در منطقه نظامی که با مراقبت شدید همراه بود، دسترسی شیعیان به ایشان را دشوار کرده بود. یکی از شیعیان به نام حلبی چنین نقل می‌کند که در یکی از روزها که قرار بود امام عسکری علیه السلام به دارالخلافه برود، ما در عسکر (محل سکونت امام) به انتظار دیدارش جمع شدیم، در این حال، از سوی آن حضرت نامه‌ای به این مضمون رسید که «کسی بر من سلام ندهد و به سویم اشاره نیز نکند؛ زیرا که در امان نیستید». این روایت به خوبی گویای آن است که امام و شیعیانش تا چه حد از سوی دستگاه خلافت تحت نظر بودند.

در چنین اوضاعی حضرت با برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده، ارتباط خود را با اصحاب خاص خود، حفظ کرد زیرا تنها اندکی از آنها می‌توانستند به خدمت حضرت برسند و رهنمودهای لازم را دریافت نمایند.

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به کتاب: تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی؛ از رسول جعفریان.

عثمان بن سعید عمری، از یاران نزدیک امام به‌عنوان فروشنده روغن، فعالیت می‌کرد. وی تحت این پوشش، اموال و نامه‌های ارسال‌شده از طرف اصحاب را در ظرف‌های روغن جای می‌داد و به امام می‌رساند. بدین ترتیب حضرت ضمن تقیّه شدید، از انجام هرگونه فعلیتی که بهانه به دست مخالفان دهد، اجتناب می‌ورزید.

و انتقال آموزه‌های شیعی به تمام مناطق دور و نزدیک شیعه‌نشین می‌شده است.

ابن بابویه قمی از بزرگان فقه و حدیث شیعه یکی از کسانی بود که امام به ایشان نامه می‌نویسد و ضمن ستایش از این فقیه، مطالبی را به‌عنوان توصیه و اندرز به او می‌فرماید.

نامه‌ای نیز از طرف امام به اهالی قم و آبه<sup>۱</sup> نگاشته شد. برخی از نامه‌های امام برای معرفی و کیل و حدود و وظایف آنها بوده است، مانند نامه‌ای که حضرت برای معرفی ابراهیم بن عبده به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری نگاشته است.

افزون بر شبکه ارتباطی و کلا، امام بیک‌ها و نمایندگان داشت که به‌وسیله آنها، با پیروان خود ارتباط برقرار می‌ساخت، یکی از این افراد، ابوالادیان بود. او نامه‌ها و پیام‌های امام را به یاران ایشان می‌رساند و سؤالات ارسالی شیعیان را به نزد امام می‌برد. نگارش نامه و مکاتبه با شیعیان هم یکی از راه‌های ارتباطی بود که به‌طور گسترده، از طرف امام علیه‌السلام مورد استفاده قرار می‌گرفت. اگرچه بیشتر این نامه‌ها از میان رفته است، اما مقداری که باقی مانده، نشان می‌دهد که نامه‌های زیادی میان حضرت و شیعیان، تبادل شده است. استفاده از چنین سیستم ارتباطی دقیق، موجب گسترش

متن نامه‌ای از امام عسکری علیه‌السلام به گروهی از شیعیان در پرهیز دادن از اختلافات، تفرقه و انحراف از دین: «به نام خداوند بخشاینده مهربان، خداوند زهد در دنیا و توفیق اعمال پسندیده حق عطا کند و توانی بدهد تا او را اطاعت کنید و از گمراهی و انحراف بازدارد...»

اما بعد، از اختلافات، دوگانگی، پراکندگی و چیرگی شیطان بر دل‌هایتان که موجب تفرقه، الحاد در دین و تلاش در جهت نابود کردن آنچه پدران نیک‌رفتار شما برای استواری دین خدا و اثبات حق اولیایش انجام دادند، باخبر گشتم. ابلیس شما را از حق بازداشت و رهسپار وادی گمراهی کرد، تا آنجا که بیشتر شما عقب‌گرد کردید، گویی نه کلام خدا را خوانده‌اید و نه از امر و نهی الهی باخبرید. به جانم سوگند اگر همچنان نابخردان شما بر افسانه‌های خودباخته تکیه کنند و سخنان باطل خود را رایج سازند، عذاب الهی بر آنان فرود خواهد آمد و اگر شما آنان را با دل و زبان و دست و نیت، بازندارید، در گناهان آنان شریک خواهید بود. این نامه حجتی است بر شما - حاضر و غایبتان - جز آنکه بخواند و امانت را ادا نماید. از خداوند می‌خواهم تا دل‌هایتان را بر راه هدایت گردآورد و با تقوا شما را از گناهان دور دارد.»<sup>۲</sup>

۱. آبه یا آوه، شهری بود در حد فاصل قم و ساوه که امروزه نیز به صورت روستایی باقی مانده است؛ بنگرید به: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۰.  
۲. ابن شعبه حرانی، تُخَفُّ العُقُول، ص ۴۸۷.

## فعالیت‌های امام عسکری علیه السلام

### ۱. فعالیت‌های علمی و فرهنگی

امام عسکری علیه السلام در طول دوران زندگی خود روایات زیادی را در موضوعات مختلف فقهی، تفسیری، اعتقادی و کلامی بیان فرمودند که در منابع حدیثی شیعه موجود است. عصر امام به جهت تدوین و نگارش آثار علمی و مذهبی شیعه نیز تأثیری اساسی داشت، زیرا دوره حدود دوپست و شصت سالی که ائمه اطهار خود مسئولیت انتقال تعالیم دینی به مردم را برعهده داشتند، رو به پایان بود. از یک طرف لازم بود این معارف و مطالب به نسل‌های بعد انتقال یابد، همچنین عالمانی باید تربیت شوند تا بتوانند پس از رحلت حضرت، از عهده این مسئولیت برآیند. در مورد اول، شاگردان امام نگاشته‌های ارزشمندی را تألیف نمودند، این کتاب‌ها، پایه‌های اصلی جوامع حدیثی همچون کافی، من لایحضره الفقیه و دیگر آثار حدیثی شیخ صدوق و شیخ طوسی است.

احمد بن محمد بن خالد برقی، شاگرد امام هادی و امام عسکری علیه السلام، کتاب «المحاسن» را نگاشت که دایرةالمعارفی است مشتمل بر احادیث امامان در تمامی زمینه‌های مختلف دینی. برخی از اصحاب کتاب خود را به امام عرضه می‌کردند و نظر حضرت را جویا می‌شدند. کتاب یوم و لیل<sup>۱</sup> از جمله این تألیفات بود.

از شاگردان امام می‌توان به عثمان بن سعید، هارون بن مسلم و بسیاری از بزرگان دیگر که در کتاب‌های رجال نام آنها ضبط شده است؛ اشاره نمود. این بزرگان ضمن حفظ میراث اهل بیت علیهم السلام در دوران غیبت، آن را به دست عالمان پس از خود رساندند.

### ۲. حمایت‌های مالی از شیعیان

یکی از سیاست‌های عباسیان این بود که شیعیان و علویان را در تنگناهای اقتصادی کشنده قرار دهند. مردم نیز از بیم مجازات، جرأت کمک‌رسانی به آنان را نداشتند. از این رو یکی از برنامه‌های امام، کمک مالی به شیعیان و برطرف کردن نیازهای اقتصادی آنان بود.

### ۳. آماده‌سازی شیعیان برای مسئله غیبت

امام حسن عسکری علیه السلام علاوه بر امور مهم و مسئولیت‌های عمومی امامت، نقش مشخص و دشواری برعهده داشت و آن آماده‌سازی عملی مردم برای پذیرش رویداد تازه‌ای به نام غیبت بود. برخی از اقدامات امام به شرح ذیل است:

الف: پنهان کردن ولادت امام زمان علیه السلام: امام عسکری علیه السلام از بیم دشمنان ولادت فرزندش را مخفی کرد. به طوری که دوران بارداری مادر امام زمان علیه السلام برای کسی آشکار نبود و دختر امام جواد علیه السلام - حکیمه - تنها هنگام فرا رسیدن زمان ولادت حضرت حجت از این موضوع اطلاع یافت.

ب: مزده ولادت امام زمان علیه السلام به اصحاب خاص: امام حسن عسکری علیه السلام در ضمن نامه‌ای به برخی از یاران نزدیک خود ولادت حضرت حجت را به آنان بشارت داد. از جمله نامه‌ای که حضرت به احمد بن اسحاق نوشت و در آن به تولد فرزند خود اشاره کرد و در ضمن به او فرمان می‌دهد که این مطلب را پوشیده نگاه دارد.

ج: معرفی حضرت حجت به شیعیان نزدیک: امام حسن عسکری علیه السلام در روزهای ابتدای ولادت امام زمان علیه السلام، ایشان را به اصحاب نزدیک خود از جمله حسین بن ایوب بن نوح نشان داد و از آنان پیمان گرفت راز این فرزند را پنهان دارد.

د: دیدار تعدادی از یاران امام با فرزندش: به نوشته شیخ طوسی: «گروهی از شیعیان نزد امام عسکری علیه السلام رفتند تا از او در

۱. بودق بوشنجانی نویسنده این کتاب است. شیخ طوسی، رجال کشی، ص ۵۳۸.

مورد جانشین پس از خود سؤال کنند. آنها در حالی که نشسته بودند کودکی را دیدند که شبیه‌ترین افراد به امام عسکری علیه السلام بود. حضرت در آنجا فرمود پس از من او پیشوا و جانشین من بر شما است. بدانید از امروز او را نخواهید دید تا روزگاری بگذرد».

امام حسن عسکری علیه السلام شیعیان را با روش‌های گوناگون برای دوران غیبت آماده می‌کردند؛ به‌طور مثال، در کتاب کمال‌الدین شیخ صدوق، چند گزارش وجود دارد که طبق آنها امام عسکری علیه السلام به یاران نزدیکشان، غیبت امام دوازدهم را یادآور می‌شوند. خلاصه‌ای از جریان آن گزارش‌ها عبارت است از:

احمد بن اسحاق اشعری نقل می‌کند: بر حضرت عسکری علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم درباره جانشین او (پس از ایشان) پرسش کنم. امام پیش از آنکه شروع به سخن نمایم خود ایشان فرمود: ای احمد، خداوند تبارک و تعالی از زمان خلق آدم علیه السلام زمین را از حجت الهی خالی نگذاشته و تا قیام ساعت نیز نخواهد گذاشت. به واسطه اوست که بلایا از اهل زمین دفع شده و به خاطر اوست که باران می‌بارد و برکات زمین ظاهر می‌شود (کنایه از وساطت فیض).

به ایشان عرض کردم ای فرزند رسول خدا، امام بعد از شما و جانشینتان کیست؟ امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خود را به آنان نشان دادند و ایشان را به عنوان قائم معرفی کردند. سپس غیبت ایشان را با خضر و ذی‌القرنین مقایسه نمودند.

احمد بن اسحاق روز بعد شادمان از معرفی امام عصر علیه السلام و شناخت ایشان مجدداً به نزد امام عسکری علیه السلام رفت و پرسید: «سنتی که برای خضر و ذی‌القرنین نیز جاری شد چه بود؟ آن حضرت پاسخ داد: «طول غیبت».

در ادامه نیز احمد که گویا از این پاسخ امام تعجب کرده بود، می‌پرسد: آیا غیبت ایشان به طول می‌انجامد؟ امام فرمود: بله، به خدا سوگند اینچنین است (غیبت چنان طولانی می‌شود) که اکثر قائلین به امامت نیز از نظر خود بازگشته و جز افرادی که در ایمان و ولایت ما در دل‌هایشان رسوخ کرده بر عقیده خود باقی نخواهند ماند.<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام در اواخر عمر مبارکشان و در راستای آماده‌سازی شیعیان برای عصر غیبت، در روش پدران گرامی‌شان برای پاسخ‌گویی به سؤالات فقهی نیز تغییراتی را ایجاد فرمودند. این تغییر کاملاً در مسیر خودکفا کردن جامعه شیعه در آینده نزدیک و آشنا ساختن آنها با روش استدلال و اجتهاد بود. در نمونه‌های اندکی که از جواب‌های ایشان به سؤالات فقها برجای مانده، دیده می‌شود که ایشان از پاسخ دقیق نسبت به مورد، خودداری کرده‌اند و به بیان کبری کلی حکم فقها پرداخته‌اند یا ارجاع به مفهومی داده‌اند که حدود آن روشن نیست یا آنکه نیمی از سؤال را پاسخ داده و نیم دیگر را بی‌پاسخ رها کرده‌اند. به لحاظ شکلی نیز پاسخ‌های ایشان در موارد زیادی به «ان شاء الله» ختم می‌شد که بیشتر به آن جواب‌ها صورت فتوا می‌داد. به این نمونه‌ها دقت کنید:

۱ سهل بن زیاد آدمی به ابی‌محمد (امام حسن عسکری علیه السلام) نوشت: «مردی فرزندان مذکر و مؤثی دارد و (در وصیت) می‌گوید که فلان مال برای فرزندانم است، اما سهم آنها را آن‌گونه که خدا تعیین کرده است، مشخص نمی‌کند (به‌طور کلی می‌گوید برای فرزندانم است) و میان مذکر و مؤنث تفاوتی قائل نمی‌شود (تکلیف چیست؟)». امام در جواب فرمود: «می‌بایست وصیت پدرشان را اجرا نمایند. اگر چیزی (از سهم آنها) ذکر نکرده باشد حکم آن را به کتاب الله بازگردانید. ان شاء الله».<sup>۲</sup>

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۱۵.

۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۰۹.



همان‌طور که ملاحظه می‌کنید امام علیه‌السلام پاسخ را به صورت کلی فرموده (باید به وصیت پدر عمل کنند) و تفصیل را به قرآن کریم و استنباط از آیات آن واگذار کرده است.

۲ محمد بن حسن صفار به امام عسکری علیه‌السلام نامه‌ای نوشت و در مورد فردی سؤال کرد که مرده و نوه دختری و برادرش زنده هستند. در این صورت، میراث از آن چه کسی خواهد بود؟ امام علیه‌السلام در پاسخ نوشتند: «میراث از آن «اقرَب» خواهد بود. ان شاء الله»<sup>۱</sup>

در این مورد هم امام علیه‌السلام از پاسخ مشخص خودداری کرده و تنها کبرای کلی را بیان فرمودند تا از این رهگذر، شیعیان در امر استنباط حکم برای عصر غیبت آماده شوند.

### پرسش‌های نمونه

- ۱ جعفر کذاب که بود؟ چه ادعایی داشت؟
- ۲ برخی از ویژگی‌های زمانه امام عسکری علیه‌السلام را بنویسید.
- ۳ وضعیت شیعیان در عصر امام عسکری علیه‌السلام چگونه بود؟
- ۴ نحوه ارتباط حضرت با شیعیان را بنویسید.



## امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پس از سپری شدن دوران کوتاه شش ساله امامت امام حسن عسکری علیه السلام، ایشان در ۲۶۰ ق، تنها فرزندش را که ۵ سال از عمرش می‌گذشت، از جانب خداوند به امامت منصوب کرد. امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف از همان زمان از دیدگان عموم مردم پنهان شد و دوران غیبت صغری<sup>۱</sup> پس از ۵ سال حضور در ایام حیات پدر و در حالی که فقط بعضی از اصحاب خاص موفق به دیدار وی شدند آغاز گردید.

دوران غیبت صغری، پس از حدود ۶۹ سال، با درگذشت، چهارمین نایب خاص ایشان، پایان یافت. این دوران مقدمه و آغازی برای غیبتی طولانی بود تا شرایط پذیرش موقعیت جدید برای مردم فراهم گردد. انتظار می‌رود در پایان درس به این سؤالات پاسخ داده شود:

- ۱ وضعیت شیعه در دوران غیبت صغری چگونه بود؟
- ۲ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغری، جماعت شیعیان را رهبری می‌کردند؟
- ۳ نایبان خاص، چه کسانی بودند و چه وظایفی بر عهده داشتند؟

## ولادت پنهانی

نگرانی عباسیان از صاحب فرزند شدن امام حسن عسکری علیه السلام موجب شد، تا نظارت شدیدی نسبت به امام، اعمال شود. به همین علت دوران حمل و تولد امام؛ از مردم پنهان داشته شد و جز افراد اندک، کسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ندید. این موضوع، زمینه‌ساز تردیدهایی درباره وجود آن حضرت می‌شد، اما با وجود فضای دشوار آن دوره، گریزی از آن نبود. احمد بن عبدالله خاقان از کارگزاران دستگاه خلافت در گزارشی می‌گوید: «با انتشار خبر بیماری امام حسن عسکری علیه السلام، خلیفه، فردی را به دنبال پدرم فرستاد. پدرم به تعدادی از کارکنان نزدیک خلیفه، دستور داد تا خانه امام را کنترل کرده و لحظه به لحظه از احوال حضرت باخبر باشند. آن‌گاه برخی از پزشکان را فراخواند و دستور داد شبانه‌روز بر بالین امام، حضور داشته باشند.» این کنترل و مراقبت تا زمان رحلت ایشان، ادامه یافت.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به دستور خلیفه، خانه امام به‌دقت بازرسی و همه چیز مهر و موم گردید. سپس میراث ایشان، میان مادر و برادرش جعفر تقسیم شد. بدون تردید حساسیت شدید دستگاه خلافت و گماردن جاسوسانی برای امام حسن عسکری علیه السلام بدان علت بود که از چگونگی و تولد فرزند ایشان اطلاع یابند و در صورت نیافتن به مردم چنین وانمود کنند که امام عسکری علیه السلام فرزندی

۱. در کتاب اصول عقاید موضوع غیبت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

نداشته است. در این شرایط، امام حسن عسکری علیه السلام، موضوع ولادت امام زمان علیه السلام را از مردم و حتی بیشتر شیعیان پنهان نگاه داشت و تنها در موارد خاصی برخی از اصحاب خاص خود را از این راز آگاه ساخت.<sup>۱</sup>

## توضیح

اکنون در سامرا و در صحن حرم امام دهم و یازدهم سردابی وجود دارد که به سرداب غیبت معروف شده است. بعضی این اتهام را متوجه شیعیان کرده‌اند که آنها معتقدند محل اختفای امام مهدی علیه السلام این سرداب است و از همین مکان



سرداب منسوب به امام زمان علیه السلام

هم ظهور خواهد کرد. اما باید بدانیم که شیعیان هیچ‌گاه چنین باوری نداشته‌اند. آنان معتقدند که امام مهدی علیه السلام در خانه محل سکونتش که همان خانه پدر و جدش بوده غایب شده و از کنار خانه کعبه ظهور خواهد کرد. اما داستان واقعی این سرداب چیست؟ براساس روایات تاریخی، خانه امام هادی و امام عسکری علیه السلام که هم‌اکنون محل دفن آن دو امام است دو قسمت داشته، قسمتی برای مردان و قسمتی مخصوص زنان و سردابی نیز زیر اتاق‌ها بوده که در روزهای گرم، اهل خانه در آن به سر می‌بردند. از نظر شیعیان، این سرداب محترم و مقدس است، زیرا محل عبادت امام دهم و یازدهم بوده است. براساس روایات، در عصر غیبت صغری، حضرت مهدی علیه السلام دو نوبت درون این سرداب در حال نماز و عبادت مشاهده شده‌اند. بنابراین آنچه که در خصوص این سرداب گفته‌اند داستانی ساختگی بیش نیست.

## زمینه‌سازی برای عصر غیبت

از نکات مهم در موضوع غیبت نحوه واکنش جامعه در برابر آن است. اگرچه غیبت امام معصوم و عدم ارتباط مستقیم مردم با او، در امت‌های گذشته نیز سابقه داشته است، اما غیبت ناگهانی امام برای مردمی که حدود ۲۵۰ سال شاهد حضور ایشان در میان خود بودند چندان ساده نبود.

مسئله غیبت امام می‌توانست باعث حیرت و سرگردانی شگرف شیعیان شود، از این رو پیشوایان معصوم، می‌بایست نسبت به آماده‌سازی جامعه، برای ورود به عصر غیبت، تمهیدات لازم را فراهم نمایند. این کار از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آغاز شد. ایشان با ابراز سخنانی در مورد عصر غیبت از جمله چگونگی وقوع این رخداد، مسئولیت سنگین شیعه در این زمان و ابراز نویدها و امیدها به آینده سعی کردند ذهنیت جامعه را برای پذیرش این موضوع حساس و مهم، آماده سازند. آماده‌سازی افکار عمومی در دوران هر یک از امامان شیعه به صورت پیوسته تداوم یافت. با نزدیک شدن عصر غیبت این روند وضوح بیشتری می‌یابد. این زمینه‌سازی‌ها موجب شد، هرگونه شک و تردید، نسبت به وجود امام غایب از دل شیعیان زدوده شود و آنها دچار حیرت نشوند و نیز، وظیفه شرعی خود را در برابر حاکمان ظالم بدانند و زمینه بازگشت پیشوای معصوم به میان خویش و تشکیل حکومت حق را فراهم سازند.

۱. در درس گذشته به برخی از این موارد اشاره شد.

## دورنمای سیاسی دوران غیبت صغری

در دوران غیبت صغری شش خلیفه عباسی به قدرت رسیدند. این دوره با ضعف دولت مرکزی خلافت و تجزیه بخش‌هایی از قلمرو خلافت عباسی و شکل‌گیری چند دولت مستقل و نیمه‌مستقل توأم بود. این موضوع با افزایش قدرت امرای تُرک از یک سو و بی‌کفایتی خلفای عباسی از دیگر سو ارتباط داشت. کارگزاران تُرک چندان قدرت یافتند که گاه خلیفه را وادار می‌کردند جانشین خود را عزل کند. چنان که معتمد عباسی مجبور شد پسرش را از ولایتعهدی عزل و برادرزاده‌اش را جانشین قرار دهد. گاه پا را فراتر گذاشته خلیفه را دستگیر و از خلافت خلع می‌کردند و پس از شکنجه او را می‌کشتمند. همان‌طور که مقتدر عباسی به دست سربازان تُرک خود کشته شد. سربازان قاهر نیز بر او شوریدند. قصر وی محاصره شد و در حالی که مست بود او را شکنجه کرده و چشمانش را از حدقه در آوردند. درگیری میان خلیفه و وابستگانش برای کسب قدرت امری عادی بود. در میان وزیران نیز رقابت سختی برای کسب قدرت وجود داشت به طوری که مبالغ سنگین برای دستیابی به مقام وزارت هزینه می‌شد.

ضعف خلافت عباسی در سده سوم به تشکیل حکومت‌های مستقل انجامید که به‌طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

### ۱ حکومت‌های سنی مذهب

نام حکومت	مؤسس	دوره حکومت	شرح
طاهریان	طاهر ذوالیمینین	۲۰۵ - ۲۵۹ ق.	مؤسس این حکومت طاهر بن حسین از فرماندهان مأمون بود. او در سال ۲۰۷ مأمون را از خلافت خلع کرد و حکومتی مستقل از عباسیان، به مرکزیت نیشابور تشکیل داد. انقراض این حکومت در سال ۲۵۹ ق. توسط یعقوب لیث صفاری رخ داد.
صفاریان	یعقوب لیث صفاری	۲۴۷ - ۳۹۴ ق.	یعقوب بن لیث صفاری از اشتغال عباسیان به شورش زنگیان استفاده کرد و بر سیستان و بخش وسیعی از مناطق شرق و مرکز ایران چیره شد.
سامانیان	امیر اسماعیل سامانی	۲۰۴ - ۳۹۵ ق.	این حکومت در ماوراءالنهر ایجاد شد و به خراسان گسترش یافت. حکومت سامانی ۱۲۸ سال طول کشید و همواره به‌عنوان حکومتی فرمانبر، در خدمت خلافت عباسی - همچون صفاریان و علویان طبرستان - مقابله کرد.
طولونیان	احمد بن طولون	۲۵۴ - ۲۹۲ ق.	مؤسس این سلسله فردی موسوم به احمد بن طولون بود. او حکومت مصر را به دست گرفت. پس از آن قلمرو خود را تا شام و حجاز گسترش داد.

### ۲ حکومت‌های شیعی

نام حکومت	مؤسس	دوره حکومت	شرح
علویان	حسین زیدعلوی	۲۵۰ - ۳۱۶ ق.	حسین زیدعلوی - از نوادگان امام حسن <small>علیه السلام</small> - در سال ۲۵۰ ق. حکومتی در منطقه طبرستان تشکیل داد. این حکومت موفق شد تشیع را در ناحیه طبرستان گسترش دهد و شعارها و نمادهای شیعی را آشکار کند.
زیدیان یمن	یحیی بن حسین - امام حسن <small>علیه السلام</small>	آغاز ۲۸۴ ق.	پیش از این، به حکومت زیدیان اشاره شد. این دولت به وسیله یحیی بن حسین - از نواده‌های امام حسن <small>علیه السلام</small> - در سال ۲۸۰ ق. تأسیس شد. از آنجا که وی پیرو مذهب زیدیه بود، در آغاز حکومتش نامه‌ای به اهالی یمن نوشت و در آن مردم را به جهاد دعوت کرد.
حمدانیان	عبدالله حمدان	۲۹۲ - ۳۹۴ ق.	سلسله‌ای دارای مذهب تشیع دوازده امامی. حمدانیان توانستند حکومت خود را در دو ناحیه شمال عراق با مرکزیت شهر موصل و ناحیه شام با مرکزیت حلب استمرار ببخشند.
فاطمیان مصر	عبیدالله مهدی از نوادگان اسماعیل <small>علیه السلام</small> - فرزند امام صادق <small>علیه السلام</small>	۲۹۷ - ۵۶۷ ق.	سلسله‌ای اسماعیلی مذهب. ابتدا در شمال آفریقا (تونس) سپس در مصر خلافت کردند. از آنجا که خود را از نسل امام علی <small>علیه السلام</small> و حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> می‌دانستند به آنها فاطمی گفته می‌شد.

## وضعیت شیعه در دوران غیبت صغری

شناخت اوضاع شیعه در دوره غیبت صغری در سه محور به شرح ذیل می‌باشد :

### الف) اختلاف میان شیعیان

در درس‌های گذشته خواندیم پس از شهادت هر امام تا شناخته شدن امام بعدی عده‌ای از شیعیان دچار تردید می‌شدند و مدتی طول می‌کشید تا جانشین امامی که از دنیا رفته است، شناخته شود. این مشکل پس از شهادت امام عسکری علیه السلام دو چندان شد : زیرا از یک سو دوران ولادت و کودکی امام کاملاً مخفیانه بود و جز تعداد محدودی از شیعیان کسی از نزدیک فرزند ایشان را ندیده بود. از سوی دیگر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بلافاصله پس از شهادت پدر آغاز شد. عامل دیگری که به این تردیدها دامن می‌زد تلاش‌های برادر امام عسکری یعنی جعفر بود که تلاش می‌کرد خود را جانشین برادر معرفی نماید و حتی برای رسیدن به هدف خود حاضر شد با دستگاه خلافت همکاری نماید. به گزارش منابع، شیعیان در آغاز غیبت صغری به چند گروه تقسیم شدند :

- ۱ کسانی که شهادت امام عسکری را علیه السلام باور نداشتند و او را به‌عنوان مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله پذیرفتند که همچنان زنده است. آنها به واقفه - کسانی که بر امامت امام عسکری علیه السلام توقف کرده‌اند - شهرت یافتند.
- ۲ کسانی که امامت جعفر - برادر امام عسکری علیه السلام - را پذیرفتند، این عده جعفریه نام گرفتند.
- ۳ عده‌ای که امامت پیشوای یازدهم را نپذیرفتند و به امامت اولین فرزند امام هادی علیه السلام گرویدند و محمدیه نام گرفتند.
- ۴ شماری بر این باور بودند که امام عسکری علیه السلام جانشینی ندارد.
- ۵ گروه دیگر که بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دادند کسانی بودند که به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قائل شدند. البته به گفته شیخ مفید در اواخر قرن چهارم تنها امامیه بود که موجودیت خود را حفظ کرده بود.

### ب) وضعیت سیاسی

در عصر غیبت صغری به لحاظ سیاسی تغییر چندانی در وضعیت شیعه رخ نداد و آنان همچون دوره‌های قبل در فشار و محدودیت‌ها به سر می‌بردند. جز در برخی دوره‌ها که وضعیت به نفع شیعیان بود و آنان تا حدودی از آزادی سیاسی و اجتماعی برخوردار می‌شدند. این شرایط با نفوذ برخی از شیعیان به دستگاه خلافت آغاز شد؛ از جمله افرادی از خاندان شیعه مذهب و برجسته بنی‌فُرات که بانفوذ در دربار و حضور در مناصب بالای حکومتی، توانستند تا حدودی از فشار بر شیعیان بکاهند.

### ج) وضعیت علمی و فرهنگی

به جهت علمی و فرهنگی علما و فقهای شیعه تلاش‌های چشمگیری در گردآوری، تدوین و تألیف کتاب انجام دادند. این فعالیت‌ها در راستای اقتضات دوره غیبت صغری بود، زیرا امام معصوم علیه السلام به‌عنوان منبع و مرجع اصلی پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات، دیگر در میان مردم حضور نداشت. نایبان خاص نیز به جهت محدودیت‌های سیاسی اعمال شده از سوی دستگاه خلافت به شدت تقیه می‌کردند. پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف جهان اسلام و عدم دسترسی به مراکز علمی و فرهنگی بر این مشکلات می‌افزود. از این رو علما و اندیشمندان شیعه بر آن شدند تا علوم اهل بیت را جمع‌آوری کرده به صورت مدون و مکتوب در اختیار مردم قرار دهند تا پاسخ‌گوی مسائل و رفع‌کننده مشکلات آنها باشد. از جمله مهم‌ترین تألیفات این دوره کتاب «الکافی» کلینی است.

بدین ترتیب فقها و محدثان شیعه حرکت علمی امامان معصوم در زمان غیبت را استمرار بخشیدند و با حفظ و انتقال میراث علمی آن بزرگوران زمینه شکوفایی علمی و فرهنگی شیعه را در قرن‌های بعد فراهم نمودند.

از نویسندگان شیعه این دوره می‌توان به این افراد اشاره کرد :

- ۱ ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، مؤلف کتاب تفسیر فرات.
- ۲ محمد بن مسعود بن عباشی . . . کوفی سمرقندی (از علمای اواخر قرن سوم) : مؤلف کتاب تفسیر عباشی.
- ۳ محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹) مؤلف کتاب‌هایی مانند اصول کافی و فروع کافی.
- ۴ احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) مؤلف کتاب المحاسن.
- ۵ علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، پدر شیخ صدوق (م ۳۲۸)، مؤلف کتاب‌های مهم اعتقادی و حدیثی از جمله من لایحضره الفقیه.

## امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و رهبری شیعیان در دوران غیبت صغری

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به یک‌باره شیعیان با غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مواجه شدند. سؤالی که برای شیعیان مطرح می‌شد این بود که در این شرایط چگونه می‌توانند با امام خود ارتباط برقرار کنند. راه حل این پرسش خیلی زود آشکار شد و چگونگی ارتباط با امام به آگاهی تعدادی از شیعیان رسید. در روایتی راجع به شیعیان قم که طبق معمول برای دیدار با امام حسن عسکری علیه السلام و تقدیم هدیه‌های مالی و نامه‌ها و سؤالات خود به سامرا رفته بودند آمده است که این گروه زمانی به شهر سامرا رسیدند که امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسیده و جعفر - برادر ایشان - ادعای امامت کرده بود. جعفر کذاب نتوانست دلیلی بر امامت خود ارائه دهد و شیعیان در حالی که ناامید شده بودند، راه بازگشت را در پیش گرفتند. آنان در بیرون شهر بودند که نماینده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان دیدار کرد. پس از آن شیعیان قم موفق به دیدار امام شدند. امام در همین ملاقات از آنها خواست که برای انجام امور مربوط به ایشان، به نماینده‌شان در بغداد مراجعه نمایند<sup>۱</sup>.

## سفرای چهارگانه یا نایبان خاص

وظیفه حفظ وحدت و ارتباط میان شیعیان، هدایت آنان در شرایط دشوار، مواجهه با فرقه‌ها و افکار انحرافی، همراه با توانایی بالا در پنهان کاری و تقیه، نیاز به سفیرانی زبده و مورد اطمینانی داشت که قادر به انجام چنین مسئولیت حساس و مهمی باشند. از این رو انتخاب نایبان خاص به‌طور مستقیم از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت گرفت. مرکز استقرار نایبان در دوران غیبت صغری، شهر بغداد بود. سفیران از میان کسانی انتخاب شدند که هیچ‌گونه حساسیتی نسبت به آنان از طرف دستگاه خلافت نباشد و از سادات و علویان نیز نبوده، زیرا عباسیان به شدت ایشان را زیر نظر داشتند.

### ۱ عثمان بن سعید عمری

عثمان بن سعید از شیعیان مورد اطمینان بود به طوری که راستی گفتار، تقوا و امانت‌داری او از طرف امام، مورد تأیید بود. عثمان در پوشش شغل روغن‌فروشی به دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر بغداد اقامت گزید. او وکیل و خادم امام هادی علیه السلام بود و ریاست سازمان وکالت در زمان امام حسن عسکری علیه السلام را بر عهده داشت. عثمان در جلسه خصوصی امام حسن عسکری علیه السلام برای معرفی جانشین پس از خود، حضور داشت و مراسم غسل و دفن حضرت را نیز انجام داد. موقعیت بر جسته عثمان بن سعید در زمان امام دهم و یازدهم باعث شد که وکلا و بزرگان شیعه بدون هیچ‌گونه شکی نیابت او را بپذیرند.

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۴۷۶.

## ۲ محمد بن عثمان بن سعید عمری

محمد بن عثمان پس از درگذشت پدرش از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مقام نیابت رسید. حضرت در توقیعی به وی تسلیت گفت و پس از دعای خیر در حقیقت امور نیابت را به او واگذار کرد.<sup>۱</sup> وی نیز از بزرگان شیعه و از نظر تقوا و عدالت مورد قبول و احترام شیعیان و از یاران مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بود.

محمد بن عثمان طولانی‌ترین دوران نیابت - حدود ۴۰ سال - را بر عهده داشت. وی در همان شغل پدر - یعنی روغن فروشی - به انجام امور مربوط به نیابت می‌پرداخت. وی توقیع‌های زیادی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دریافت و به شیعیان می‌رساند. زمانی که محمد بن عثمان در بستر بیماری افتاد، ابوالقاسم حسین بن روح را به‌عنوان نفر سوم معرفی کرد.

## ۳ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

محمد بن عثمان و کلای دیگری هم در بغداد داشت که برخی از حسین بن روح به محمد بن عثمان نزدیک‌تر بودند، اما با این همه، حسین بن روح از طرف امام به این مقام منصوب شد. وی در شرایط سخت و دشوار آن روز، با هوشمندی و زیرکی بی‌نظیر در مواقع مختلف و حساس تشکیلات امامیه را به‌خوبی هدایت کرد و به جهت انتصاب به خاندان نوبختی در دستگاه خلافت عباسی از احترام برخوردار بود. موقعیت و جایگاه او در میان شیعیان به نحوی بود که نیابت وی خیلی زود مورد پذیرش قرار گرفت.

### خاندان نوبختی

خاندان مشهور ایرانی که اندیشمندانی برجسته به‌عنوان منجم، ادیب، متکلم و مؤلف، در قرن ۲ تا ۵ از این خاندان، ظهور کردند. برخی از افراد نامدار این خاندان عبارت‌اند از: نوبخت اولین فرد از نوبختیان که در زمان خلیفه عباسی به‌عنوان منجم در دستگاه خلافت عباسی، فعالیت می‌کرد. فرزندش، ابوسهل نوبخت نیز، منجم خلیفه شد و کتاب‌هایی تألیف و ترجمه کرد. ابوسهل نوبختی، متکلم نامدار امامی، ساکن بغداد، و از افراد صاحب نفوذ و بنام خاندان نوبخت است. وی فعالیت‌های علمی زیادی در مورد موضوع امامت و به‌ویژه غیبت صغری انجام داد. او با حسین بن روح نوبختی - نایب سوم - همکاری نزدیکی داشت. حسین بن موسی نوبختی، از نخستین دانشمندان شیعه است که درباره ملل و نحل کتاب نوشته است و استدلال‌های عقلی را در تحکیم مبانی اعتقادی امامیه به کار می‌گرفت. *فَرَقَ الشَّيْعَةَ تَنْهَا اِثْرَ بَعْضِ مَائِدَةٍ* از او است.

## ۴ علی بن محمد سمری

نایب سوم - حسین بن روح نوبختی - به فرمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علی بن محمد سمری را به‌عنوان جانشین خود، جهت اداره امور شیعیان معرفی کرد. وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نیز بود. در روزگار نیابت سمری وضعیت دستگاه خلافت و سرزمین‌های اسلامی به‌شدت آشفته شد. هرج و مرج و جنگ‌های داخلی همه‌جا را فراگرفته بود. سمری حدود سه سال نیابت خاص امام را بر عهده داشت و سرانجام چند روز پیش از رحلت نامه‌ای از طرف حضرت به دستش رسید که نزدیکی زمان مرگ وی را اطلاع داده بود. متن توقیع، آغاز غیبت کبری را وعده می‌داد.

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۲۱۵.

متن نامه زمان علیه السلام به نایب آخر خود چنین است :

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمری! خداوند به برادرانت در فقدان تو پاداش بزرگ عطا فرماید. تو تا شش روز دیگر رحلت خواهی کرد. کارهایت را جمع کن و به هیچ کس به عنوان جانشین خود وصیت نکن. اکنون زمان غیبت کبری فرا رسیده و ظهور من تنها با اجازه خداوند و در زمانی خواهد بود که دل های مردم در نهایت قساوت و روی زمین، پر از بیداد و ستم باشد. کسانی پیش شیعیان مدعی دیدار و ارتباط با من خواهند شد. هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی - که از علائم ظهور است - چنین ادعایی کند، دروغ گویی بیش نخواهد بود.<sup>۱</sup>

## وظایف نایبان

### ۱. اطمینان بخشی نسبت به وجود حضرت

یکی از وظایف مهم نایبان امام به ویژه سفیر اول این بود که به برخی از شیعیان که ممکن بود دچار تردید شوند ثابت کند که امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد که اکنون غایب است. البته به جهت تقیّه شدید این کار سخت بود.

### ۲. نظارت و سرپرستی شبکه و کالت

پیش از این گفته شد سیاست تعیین وکیل و رهبری امور شیعیان در مناطق مختلف اسلامی، از زمان امام کاظم علیه السلام معمول شد. در دوران غیبت با قطع ارتباط مستقیم شیعیان و همچنین وکلا با امام زمان، آنها از راه نایب امام با حضرت ارتباط داشتند. این وکلا اموال و هدایا و نامه های ارسال شده را به سفیران امام می رساندند و آنها نیز وجوه دریافتی را طبق دستور امام هزینه می کردند. البته به ندرت امکان داشت که یکی از وکلا بتواند امام را ملاقات کند.<sup>۲</sup> نایبان هر کدام وکیلانی داشتند؛ به عنوان مثال نایب دوم، ده وکیل در بغداد داشت.<sup>۳</sup>

### ۳. پاسخ گویی به پرسش های فقهی و اعتقادی

در دوران حضور ائمه علیهم السلام، مرجع علمی و فکری شیعیان، خود امامان معصوم بودند. شیعیان با بروز هرگونه اشکال فکری و یا مواجه شدن با پرسش به حضور امام شتافته و از محضر وی سؤال می کردند. آغاز غیبت صغری و عدم حضور امام علیه السلام که رکن اصلی شیعه در مسائل فکری و اعتقادی بود در میان مردم، می توانست به بحرانی فکری و اعتقادی در میان شیعیان منجر شود. لذا یکی از وظایف مهم نایبان امام این بود که سؤال ها و شبهات شیعیان را به عرض امام برسانند و پس از دریافت پاسخ، آن را به سؤال کننده ابلاغ نمایند. متن توقیعات و نامه های امام موضوعات مختلفی را شامل می شد<sup>۴</sup>: برخی پاسخ به سؤالات اعتقادی بود. بخش قابل ملاحظه ای از محتوای نامه ها پاسخ به سؤالات فقهی همچون نماز، حج، خمس و... می باشد.

۱. همان، ص ۲۴۳.

۲. جعفریان، رسول، گزیده حیات فکری، سیاسی امامان شیعه، ص ۳۷.

۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۲۲۵.

۴. توقیعات امام زمان علیه السلام در دو کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق و «الغیبه» شیخ طوسی آورده شده است.



مسئله «غیبت» ولی الهی، مختص به دین اسلام نیست و در سایر امت‌ها و ادیان نیز مطرح بوده است که عالم و محدث بزرگ شیعه، شیخ صدوق رحمته‌الله علیه، اخبار و گزارشات مربوط به آن را در کتاب ارزشمند «کمال الدین و تمام النعمة» ذکر کرده است. مرحوم صدوق رحمته‌الله علیه به روایتی اشاره می‌کند که در آن مراحل غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام از ابتدای تولد ذکر شده است و می‌نویسد: «ابراهیم همواره در غیبت به سر می‌برد تا آنکه ظهور نمود... و خداوند قدرتش را در وی آشکار ساخت. پس از آن، هنگامی که طواعت وی را نپذیرفتند و (دعوتش را) نفی کردند و او را از سرزمینش بیرون راندند برای مرتبه دوم غایب شد و گفت: و اعترلکم و ما تدعون من دون الله و ادعو ربی عسی الا اکون بدعاء ربی شقیاً (سوره مریم: آیه ۴۸). خداوند نیز فرمود: فلما اعترلهم و ما یعبدون من دون الله (سوره مریم: آیه ۴۹)»<sup>۱</sup>

## ۲ مقابله با مدعیان دروغین نیابت

یکی از مشکلات اساسی دوران غیبت صغری، ظهور افرادی بودند که به دروغ ادعای نیابت و وکالت می‌کردند. برخی از مدعیان در ابتدا افرادی صالح بوده و در زمره وکلای ائمه علیهم السلام به شمار می‌رفتند، اما به جهت ضعف ایمان، طمع به دست آوردن اموال، کسب شهرت و جاه‌طلبی راه انحراف را در پیش گرفتند و بدین ترتیب زمینه گمراهی مردم را فراهم ساختند. یکی از این افراد، محمد بن علی شلمغانی نام داشت. وی یکی از افراد صالح و از وکیلان نایب سوم - حسین بن روح نوبختی - به شمار می‌رفت. شلمغانی پس از مدتی خود را نایب امام عصر رحمته‌الله علیه معرفی نمود و مطالب دروغی را منتشر ساخت، در حالی که آن مطالب را به حسین بن روح، نسبت می‌داد. یکی از عقاید کفرآمیز وی، حلول روح پیامبر صلی الله علیه و آله در محمد بن عثمان عمری و روح امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حسین بن روح بود. حسین بن روح تلاش زیادی برای افشای چهره شلمغانی انجام داد و توقیعی نیز از طرف امام زمان رحمته‌الله علیه مبنی بر لعن و براءت از کارها و سخنان او صادر شد. در نهایت سخنان شلمغانی به گوش خلیفه عباسی رسید. خلیفه هم دستور قتل وی را صادر کرد.

## ▶ آغاز غیبت کبری

با رحلت چهارمین نایب امام زمان رحمته‌الله علیه فصل جدیدی در تاریخ شیعه آغاز شد که غیبت کبری نامیده می‌شود. در غیبت کبری زمام امور دینی و سیاسی جامعه اسلامی، براساس فرموده امام دوازدهم رحمته‌الله علیه بر عهده فقیهانی نهاده شد که علاوه بر شایستگی علمی، از ویژگی عدالت، تقوا و کردانی نیز می‌بایست برخوردار باشند. فقیهانی این چنینی، براساس ولایتی که از سوی خداوند و به واسطه امامان معصوم به آنان واگذار شده، در دوره غیبت حق زعامت سیاسی و دینی جامعه را دارا هستند. آنان در طول تاریخ میراث علمی، فکری و معنوی معصومان را نسل به نسل تا عصر حاضر انتقال داده‌اند و امام خمینی رحمته‌الله علیه و انقلاب اسلامی ایران میراث‌دار این تلاش ارزنده است.

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۷۱.